



دوره اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲

صفحات ۷۹ تا ۱۰۹ (مقاله پژوهشی)

رویکرد تحولات حقوقی - سیاسی در تبدیل تهدید سیاسی تحریم‌های نفتی به فرصت خود کفایی در دیپلماسی نگاه به شرق در حوزه مدیریت دولتی دکتر مصطفی ملکی

استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام استان، ایلام، ایران

مصطفی شاطری^۱ (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد مدیریت، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

چکیده

امروزه تحولات سیاسی و حقوقی ناشی از تحریم‌های نفتی در حوزه مدیریت به‌خصوص بخش دولتی یکی از دغدغه‌های اصلی در ایران است به طوری که بالاترین مقام اجرایی دولت، وجود افسران تخصصی برای دور زدن سیاسی و حقوقی تحریم‌های بین‌المللی در ایران را تأیید کرد. علی‌ایحال قدرت‌های بزرگ همیشه بر اساس واقعیات موجود در جهان نظم حاکم بر نظام بین‌الملل را بر اساس آنچه منافع آنان ایجاب می‌کند و می‌تواند به تثبیت قدرت آن‌ها بینجامد تعریف می‌کند، در نتیجه هر بازیگری در نظام بین‌الملل از چنین نظمی تبعیت نکند باید تنبیه شده و هزینه آن را پرداخت نماید. ایران در چنین وضعیتی در زمینه انتقال فناوری‌های بالادستی و پایین‌دستی حوزه نفت در تحریم یک‌جانبه بین‌المللی از سوی آمریکا قرار دارد. سؤال اصلی که در پی پاسخ به آن هستیم این مسئله است که چطور دولت ایران می‌تواند تهدیداتی را که در عین تحریم‌های همه‌جانبه در حوزه فناوری‌های نفتی متوجه آن شده را به فرصت تبدیل کند؟ در پاسخ باید گفت: با رویکردهایی همچون تأکید بر شکوفایی شرکت‌های دانش‌بنیان فناورانه در حوزه نفتی، همکاری در آموزش و انتقال فناوری‌های بالا از طریق کشورهای همسایه در نظام بین‌الملل، مبتنی بر نگاه به شرق می‌تواند موقعیت تحریم را به فرصت طلایی جهت توسعه تبدیل کند. با رویکرد توصیفی و تحلیلی و ارائه راهکارهای عملیاتی از طریق مطالعات منابع و روش کتابخانه‌ای پاسخ مقتضی، ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تحریم‌های بین‌المللی، تحریم نفتی، شرکت‌های دانش‌بنیان، دیپلماسی فناورانه.

مقدمه

پس از کشف نفت که به‌عنوان طلای سیاه از آن یاد می‌شود تحول و دگرگونی‌های فراوانی به وجود آمد. می‌توان ادعا نمود که یکی از موتورهای متحول کننده انقلاب صنعتی به‌نوعی همین امر بود. با گسترش روند جهانی شدن، دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل در مدل وستفالیایی آنکه اکثر بهره‌برداری نفت دنیا را در سطح کلان بر عهده دارند، جهت استخراج این ماده با ارزش بالای اقتصادی، تمام فناوری‌ها و رویکردهای علمی جدید را برای بهره‌برداری حداکثری از این منبع با ارزش خدادادی، پای کار آوردند که تحت عنوان فناوری حوزه نفت می‌توان از آن یاد کرد. معمولاً قدرت‌های بزرگ طبق روال رویکردهای مسلط در نظام بین‌الملل با هم در به خدمت‌گیری فناوری‌ها آن را با مسائل سیاسی گره زده‌اند تا حداکثر منافع ملی را در سطح نظام بین‌الملل به دست آوردند. البته جهت مشروعیت بخشی و اقناع افکار عمومی از قالب‌های حقوق بین‌الملل همچون تحریم‌های بین‌المللی و امثالهم نیز به‌عنوان راهکارهای اجرایی برای دستیابی به مقاصد سیاسی استفاده می‌کنند. با این شرح مختصر، پژوهش حاضر با توجه به تحریم‌های همه‌جانبه گهگاه بین‌المللی و گاهی یک‌جانبه از سوی برخی از قدرت‌های مسلط بین‌المللی همانند آمریکا، در پی پاسخ به این سؤال هستیم که با توجه به تمام محدودیت‌های بین‌المللی که برای اقتصاد سیاسی مبتنی بر نفت برای دولت جمهوری اسلامی ایجاد شده است، چگونه می‌تواند بر اساس دیگر ظرفیت‌های موجود داخلی و بین‌المللی فناوری‌های نوین را جهت استفاده حداکثری از فناوری‌های نوین ضمن استخراج نفت، این تهدید را به یک فرصت برای خود

تبدیل کند؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت: با نگاهی کاملاً رئالیسم واقع‌گرایانه در استفاده از ظرفیت‌های شرکت‌های دانش‌بینان داخلی که در این دوره رشد خوبی داشته‌اند و همچنین انتقال فناوری از کشورهای همسو، مبتنی بر سیاست نگاه به شرق، می‌توان برخی از این تهدیدات ناشی از تحریم‌های بین‌المللی را به فرصت تبدیل کرد. با رویکردی توصیفی و تحلیلی در عین حال ارائه رویکردهای کاربردی در پی تحلیل این موضوع در قالب این مقاله هستیم.

۱- رهیافت نظری مدیریت سیاسی و بین‌المللی:

نئورئالیسم یا واقع‌گرایی ساختاری، نظریه‌ای در روابط بین‌الملل است که بر نقش سیاست قدرت در روابط بین‌الملل تأکید می‌کند، رقابت و تعارض را ویژگی‌های پایدار می‌داند و پتانسیل محدودی برای همکاری در سطح نظام بین‌المللی می‌بیند. (Robert: ۱۹۹۹: ۴۲). این قدرت‌طلبی ناشی از ساختار، باعث شده در تمامی مناسبات در تمامی سطوح شاهد به وجود آمدن وضعیت هرج‌ومرج گونه آنارشیک باشیم؛ وضعیت آنارشیک نظام بین‌الملل به این معناست که دولت‌ها نمی‌توانند از مقاصد سایر دولت‌ها و امنیت آن‌ها مطمئن باشند، بنابراین آن‌ها را به درگیر شدن در سیاست و قدرت وا می‌دارد. (Morgenthau: ۱۹۸۷: ۴۱) رئالیسم ساختاری معتقد است که ماهیت ساختار بین‌الملل با اصل نظم‌دهنده آن (آنارشی)، واحدهای سیستم (دولت‌ها) و با توزیع قابلیت‌ها (اندازه‌گیری شده با تعداد قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل) تعریف می‌شود. آخرین مورد به‌عنوان یک متغیر مستقل با هرگونه تغییر معنی‌دار در طول زمان در نظر گرفته می‌شود. (Kenneth: ۲۰۰۳) اصل

نظم دهی آنارشیک ساختار بین‌المللی غیرمتمرکز است، به این معنی که هیچ مرجع رسمی وجود ندارد. هر دولت مستقل در این سیستم به‌طور رسمی برابر است. این دولت‌ها بر اساس منطق خود‌گرایی عمل می‌کنند، یعنی دولت‌ها به دنبال منافع خود هستند و منافع خود را تابع منافع دولت‌های دیگر نمی‌کنند. (Mearsheimer: ۲۰۱۴: ۳) بر اساس این نظریه، اصل بر بقاء بر اساس مؤلفه قدرت در تمامی ابعاد آن از جمله انحصار تکنولوژی^۱ و امثالهم را شامل می‌شود. این نیروی محرکه بقاء، عامل اصلی تأثیرگذار بر رفتار آن‌ها است و به‌نوبه خود تضمین می‌کند که دولت‌ها قابلیت‌های نظامی و تهاجمی را برای مداخله‌گری خارجی و به‌عنوان وسیله‌ای برای افزایش قدرت نسبی^۲ خود توسعه می‌دهند. از آنجایی که دولت‌ها هرگز نمی‌توانند از نیت آینده دولت‌های دیگر مطمئن باشند، عدم اعتماد بین دولت‌ها وجود دارد که آن‌ها را ملزم می‌کند^۳ در مقابل از دست دادن نسبی قدرت که می‌تواند دولت‌های دیگر را قادر به تهدید بقای آن‌ها کند مراقب باشند. (Sebastian: ۲۰۲۱) نئورئالیسم‌ها استدلال می‌کنند که فرآیندهای تقلید و رقابت باعث می‌شود دولت‌ها به روش‌های

۱. Monopoly of Technology

۲. A means of Increasing Relative Strength

۳. در قالب این نظریه دولت‌ها به عنوان جعبه سیاه نظام بین‌الملل تعبیر می‌شود که این امر نیز بر اساس ساختارگرایی تعریف شده است. به نقل از منبع اصلی:

-See: Kapstein, Ethan B. (۱۹۹۵). de Mesquita, Bruce Bueno; Lalman, David; Rosecrance, Richard; Stein, Arthur A.; Snyder, Jack (eds.). "Is Realism Dead? The Domestic Sources of International Politics". International Organization. 49 (4): 751

فوق‌الذکر رفتار کنند. تقلید باعث می‌شود دولت‌ها رفتارهای دولت‌های موفق (در ابعاد مختلف) را اتخاذ کنند، درحالی‌که رقابت باعث می‌شود دولت‌ها با هوشیاری امنیت و بقای خود را از طریق بهترین ابزار ممکن تضمین کنند. (Barry: ۱۹۹۳: ۸۰) نکته جالب مورد تأکید نئورئالیست‌ها این مسئله است: برای نئورئالیست‌ها، هنجارهای اجتماعی تا حد زیادی نامربوط^۱ تلقی می‌شوند. (Kendall: ۲۰۰۹: ۲) پس از این نظریه می‌توان چنین بهره‌برداری کرد که قدرت‌های بزرگ بر اساس ساختاری که در نظام بین‌الملل برای خود تعریف کردند علی‌الاصول از طریق وضعیت هرج و مرج گونه حاکم بر آن جهت حفظ خود بر اساس اصل تنازع بقاء با تأکید بر مؤلفه‌های متعدد قدرت که داشتن فناوری‌های نوین و جدید نیز یکی از همین مؤلفه‌های قدرت‌اند بدون اینکه به دیگران بازیگران نظام بین‌الملل بر اساس هنجارهای اجتماعی، انسانی، و.... توجه داشته باشند از طریق اصل خودیاری سعی دارند همیشه انحصارات خود، وابستگی دیگر بازیگران را جهت قدرتمند ماندن به نوعی حفظ کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. See: Mearsheimer, John J. (1994). "The False Promise of International Institutions". *International Security*. 19 (3). doi:10.2307/2539078. ISSN 0162-2889. JSTOR 2539078. S2CID ۱۵۳۴۷۲۰۵۴.

۲- رویکردهای حقوقی و سیاسی اقتصاد تحریم نفتی

۲-۱): تحریم اقتصاد نفتی

تحریم‌های اقتصادی^۱ لزوماً به دلیل شرایط اقتصادی اعمال نمی‌شوند، بلکه ممکن است برای مسائل مختلف سیاسی، نظامی و اجتماعی نیز اعمال شوند. تحریم‌های اقتصادی می‌توانند برای دستیابی به اهداف داخلی و بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرند. (Taehee: ۲۰۱۱: p-p ۸۰۱-۷۸۷) البته نکته اینجاست، اثربخشی تحریم‌ها قابل‌بحث است شکست‌های زیادی وجود دارد و تحریم‌ها می‌تواند عواقب ناخواسته‌ای در تمامی ابعاد جامعه داشته باشد. (Yong Suk: ۲۰۱۸: p۳۴) تحریم نفت ایران اقدامی است که اول‌بار از سوی بریتانیا و در پاسخ به ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۲۹ شمسی صورت گرفت. پس از آن در سال ۲۰۱۲ و سال‌های بعد تاکنون برخی از کشورهای جهان به رهبری ایالات متحده به منظور جلوگیری یا محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌های نفتی جدیدی بر علیه ایران اعمال کردند. کشورهای تحریم‌کننده هدف خود از این تحریم‌ها^۲ را محروم کردن این کشور از درآمدهای نفتی و وادار کردن آن به همکاری با جامعه جهانی برای برطرف کردن ابهامات درباره برنامه احتمالی هسته‌ای نظامی‌اش می‌دانند. این تحریم‌ها با ابزارهای مستقیمی، همچون تحریم خرید یا خریداران، و نا مستقیمی، همچون تحریم بیمه‌ای کشتی‌های نفت کش یا تحریم بانکی، اعمال و باهدف انصراف خریداران نفت^۳

۱. Economic Sanctions

۲. The Purpose of Sanctions

۳. Oil Buyers

این کشور و رو کردن آن‌ها به دیگر عرضه‌کنندگان این کالا انجام می‌شوند. تاریخ سیاسی ایران در چند دهه‌ی اخیر نشان می‌دهد که ایران همواره در معرض تحریم‌های گسترده بوده است. از جمله‌ی این تحریم‌ها، تحریم‌های نفتی است که کشورهای تحریم‌کننده در جهت محروم کردن ایران از درآمدهای نفتی و وادار کردن آن به همکاری با جامعه جهانی آن را به کار گرفته‌اند. در یک فرآیند تجاری بین‌المللی، تحریم نفت ایران از سوی آمریکا و همراهانش^۱، متغیرهای اقتصاد ایران و جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (رصاف و دیگران، ۱۴۰۰: ص ۱۳۳) در نتیجه می‌بینیم همواره تحریم نفتی در حوزه اقتصاد سیاسی^۲ به‌عنوان یک حربه سیاسی و بین‌المللی همواره یکی از گزینه‌ها علیه ایران بوده است.

۲-۲): تحریم همکاری‌های شرکت نفت ایران

صنعت نفت و گاز یک صنعت تکنولوژی محور است و عملیات فنی در این صنعت، در بخش‌های مختلف بالادستی و پایین‌دستی در حوزه اکتشاف، توسعه، تولید، انتقال، فرآوری، پالایش و پتروشیمی مبتنی بر فناوری‌های جدید

۱. تحریم‌ها علاوه بر قطع دسترسی به چرخه دلار دارای عواقب دیگری نیز هستند؛ اموال شخص تحریم شده در حوزه قلمرو قضایی آمریکا مصادره می‌شود و سهامداران آمریکایی نیز حق خرید سهام شرکت تحریمی را ندارند. ممنوعیت سفر به خاک آمریکا نیز شامل مجازات تحریمی است. همین مجازات سنگین اقتصادی نیز باعث شد تا پس از خروج آمریکا از برجام، شرکت‌های بزرگ غیرآمریکایی نظیر پژو، توتال، مرسک یا ولوو وادار به خروج از بازار ایران شوند.

۲. Oil Embargo in the Field of Political Economy

صورت می‌پذیرد. علی‌رغم سابقه طولانی مدت شرکت نفت ایران، این شرکت به دلایل مختلف از جمله تحریم‌های متعدد نتوانسته پتانسیل و توانایی لازم در جهت فعالیت به صورت شرکت E&P را به دست آورد و بر همین اساس نیز در بخش‌هایی مانند میادین مشترک فراساحلی (واقع شده در دریا) به دلیل ضعف تکنولوژی، عملاً استفاده و بهره‌برداری کشور ما از میادین، نسبت به کشورهای دیگر مشترک در میدان، کمتر می‌باشد. لازمه خنثی‌سازی تحریم‌ها، تقویت شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های خصوصی فعال مرتبط با صنعت نفت و گاز به‌ویژه شرکت‌های دانش‌بنیان می‌باشد. در این خصوص، استفاده از توانمندی داخلی^۱ و انتقال تکنولوژی‌های نفتی از کشورهای خارجی^۲، بسیار تعیین‌کننده می‌باشد. این عناوین، دو نقطه متفاوت از صنعت هستند. اولی الزام به استفاده از توان داخلی است و دومی استفاده از توان خارجی است که باید بر اساس اولویت‌بندی در خصوص این دو موضوع تصمیم‌گیری نمود. یکی از ابزارهای اصلی این مبارزه، اعمال تحریم‌های ظالمانه با ادعاهای واهی و اثبات نشده در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، هسته‌ای، مالی و... بود. این تحریم‌ها که اغلب از سوی دولت آمریکا اعمال می‌شد، همواره وجود داشته ولی در شرایط مختلف، شدت و ضعف داشته است. با رجوع مجدد به تاریخ سیاسی ایران در می‌یابیم نخستین تحریم نفتی ایران، به دوران بعد از ملی شدن

۱. Local Content

۲. امروزه یکی از اهداف اساسی مورد نظر تحریم‌ها مختل کردن همین امر است که متأسفانه در جلب عدم همکاری فنی شرکت‌های خارجی در حوزه صنعت نفت و گاز ایران به دلیل شرایط تحریم موفق عمل کرده‌اند.

صنعت نفت و گاز ایران در سال ۱۳۲۹ برمی گردد، که شرکت‌های بزرگ نفتی موسوم به هفت خواهران نفتی که ملی شدن این صنعت در ایران را مغایر منافع و امیال خود می‌دیدند، از هرگونه همکاری، تأمین قطعات، خرید نفت و کمک به راه‌اندازی پالایشگاه‌ها و چاه‌های نفتی و استقلال این صنعت به صورت عملی، تا مجبور کردن ایران به پذیرش شروط و انعقاد قرارداد کنسرسیوم خودداری کردند.^۱ پس از تحقق انقلاب اسلامی و قطع شدن دست بیگانگان از صنعت نفت و گاز و منابع نفتی کشور، کشورهای غربی به سرکردگی آمریکا، به طرق مختلف و با ابزار تحریم سعی در فلج نمودن این صنعت و ایجاد مانع و جلوگیری از کسب درآمد نفتی و توقف هرگونه فعالیت در عرصه نفت و گاز نمودند. این تحریم‌ها در سال‌های اخیر تشدید شده و هرگونه فعالیت در بخش‌های مختلف صنعت نفت ایران، فروش، تأمین مالی، حمل و نقل ... در این صنعت را شامل می‌شود.

بخش مهمی از راه‌حل چالش جهانی تأمین امنیت انرژی جهان در گرو توجه و تمرکز بر گاز طبیعی به عنوان سوختی پاک می‌باشد و دولت سیزدهم در ایران معتقد است بدون همکاری‌های بین‌المللی در کاهش تدریجی انتشار کربن و در صورت تداوم رویکرد تهاجمی کنونی در توجه نکردن به منافع تولیدکنندگان سوخت‌های فسیلی در فرآیند گذار انرژی، بی‌تردید جهان در دهه آینده با بحران امنیت عرضه و دسترسی به انرژی مواجه خواهد شد. در نتیجه با تأکید بر

۱. جهت مطالعه مبسوط رجوع شود به کتاب «ایران بین دو انقلاب» نوشته پرواند آبراهامیان، ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، انتشارات نشر نی، تهران.

ضرورت گذاری انرژی تدریجی، منصفانه و تمرکز بر توسعه گاز طبیعی، رویکردی تهاجمی نسبت به ضرورت کاهش سریع استفاده از سوخت‌های فسیلی باهدف کاهش انتشار کربن، سبب کاهش سرمایه گذاری در منابع فسیلی داشته است.

۳- مدیریت نقش شرکت‌های دانش‌محور در دور زدن تحریم‌های اقتصادی

شرکت‌های دانش‌بنیان با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد خود و توان ایجاد و به کارگیری فناوری‌های پیشرفته مورد نیاز، توانمندی لازم را جهت تبدیل مواد خام به محصولات نهایی و با ارزش افزوده بالا دارند. در واقع دولت با اعتماد و توجه به چنین شرکت‌هایی می‌تواند تهدید به وجود آمده در این حوزه را به فرصتی جهت شکوفایی صنایع نفت و امثالهم تبدیل کند. به این ترتیب از یک سو وابستگی کشور به محصولات و ارزش خارجی جهت واردات این کالاها کاهش می‌یابد و از سوی دیگر با ارتقای کیفیت محصولات داخلی، زمینه رقابت این کالاها با کالاهای مشابه در بازارهای خارجی فراهم می‌شود. در نهایت با افزایش گستره کالاهای صادراتی، آسیب‌پذیری کشور در برابر تحریم کالاهای صادراتی کاهش می‌یابد. پس می‌توان چنین ادعای مستدلی را ارائه کرد که با تکیه بر توان داخلی، حمایت همه‌جانبه از شرکت‌های دانش‌بنیان در اقتصاد مبتنی بر نفت ایران در وضع موجود می‌تواند در جهت استفاده از فناوری‌های نوین در حوزه نفت مطمئن‌ترین راه و کم‌هزینه‌ترین راه دور زدن

تحریم‌ها در وضع موجود باشد. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد پایدارترین رشد اقتصادی در جهان مربوط به اقتصادهای دانش‌محور است و در این بین موتور محرک این اقتصادها شرکت‌های کوچک دانش‌بنیان هستند. (فخاری و دیگران؛ پیشین؛ ص ۱)

این باید یک استراتژی و ضرورت راهبردی برای دولت ایران باشد، چرا که با توجه به گسترش دامنه‌ی تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران در سال‌های گذشته و همچنین احتمال لغو آن‌ها در آینده، رصد تأثیرگذاری این تحریم‌ها بر حوزه‌های مختلف همچون فناوری نفتی و امثالهم، جهت مقابله فعالانه با آن‌ها و استفاده از فرصت‌های احتمالی ناشی از لغو آن‌ها از اولویت بالایی برخوردار است. ضروری است، دولت با در نظر گرفتن این تأثیرات، با اتخاذ تدابیر لازم زمینه رشد عملکردی شرکت‌های دانش‌بنیان را فراهم کند و از پتانسیل این شرکت‌ها چه در صورت ادامه تحریم‌ها و چه در صورت لغو آن‌ها استفاده کند. تدابیر دولت باید ضمن کمک به شرکت‌ها در مبارزه با شرایط تحریمی، در صورت لغو تحریم‌ها نیز همچنان ارائه خدمات تخصصی و هدفمند به شرکت‌های برتر را در دستور کار قرار دهد. (با اندکی دخل تصرف: خوراسگانی، ۱۳۹۴)

علاوه بر رویکردهای دور زدن تحریم‌ها که در ایران به‌عنوان یکی از کارکردهای شرکت‌های دانش‌بنیان از آن یاد می‌شود، تجربه دنیا ثابت کرده است که؛ نگاهی به نظام‌های اقتصادی و اجتماعی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و نو توسعه‌یافته جهان نشان می‌دهد که گسترش و حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط یکی از اولویت‌های اساسی در برنامه‌های

توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط فناورانه اقتصادی و اجتماعی این کشورهاست. (امینی و دیگران؛ ۱۳۹۳؛ ۸) پس تجربیات بین‌المللی نیز ما را به سمت حمایت همه‌جانبه از شرکت‌های دانش‌بنیان سوق می‌دهد. اهمیت این مسئله همان‌طور که عرض شد در ایران به خاطر دور زدن تحریم‌ها و مضافاً به خاطر به حرکت درآمدن چرخه اقتصاد نفتی ایران در وضع موجود می‌تواند به اولیوی بالا و استراتژیک برای دولت در حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان فناورانه در حوزه نفت تبدیل شود.

۴- عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان، در تحریم‌های بین‌المللی

در عصر حاضر، پایدارترین رشد اقتصادی در جهان مربوط به اقتصادهای دانش‌محور است و در این بین موتور محرک این اقتصادها شرکت‌های کوچک دانش‌بنیان هستند. با این حال مشکلات متعدد فراروی این شرکت‌ها، منجر به نرخ بالای شکست آن‌ها در همان سال‌های اولیه می‌گردد. بدیهی است در شرایط تحریم و التهاب اقتصادی، این مؤسسات کانون تأثیرات مختلف محیطی خواهند بود. (فخاری و دیگران؛ ۱۳۹۲، ص ۱). اقتصاد دانش‌محور اقتصادی است که به شکل مستقیم بر اساس تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. در این میان موتور محرک این اقتصادها شرکت‌های دانش‌بنیان هستند. این شرکت‌ها، به‌عنوان بنگاه‌های اقتصادی دانش‌بنیان، نقش محوری در شرایط تحریم‌های اقتصادی ایفا می‌کنند و یکی از راهبردهای مهم و اثرگذار جهت تحقق اقتصاد مقاومتی هستند. اقتصاد نفتی یک تکنولوژی وارداتی است و پیشرفت یا توسعه در اقتصاد نفتی یک مفهوم بیرونی است. یعنی

شما نفت را می‌فروشید و از یک کشور خارجی جنس وارد می‌کنید و مردم هم از آن جنس استفاده می‌کنند و فکر می‌کنند رفاه دارند و توسعه پیدا کرده‌اند. هم‌اکنون در دبی توسعه‌یافتگی چگونه تعریف شده است؟ مثلاً بسیاری از تست‌های فناوری خودروهای خودران که باید در اروپا و آمریکا می‌شده، در دبی انجام می‌شود و آن‌ها فکر می‌کنند که دارای فناوری هستند و در حال توسعه‌اند، اما توسعه پیدا نمی‌کنند. پول آن‌ها باعث رفاه بیشتری می‌شود اما توسعه پشت آن نیست و اگر این پول قطع شود، دیگر هیچ رفاهی وجود نخواهد داشت. پس در فرصت تحریم‌های بین‌المللی یکی از رویکردهایی که می‌توان با نگاه کامل به داخل با اطمینان حداکثری بدان پرداخت، بحث شرکت‌های دانش‌بنیان نفتی است.^۱ چیزی که اینجا باید توضیح داد بررسی رویکردهای شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه فناوری نفت است. باید گفت: پس از عملیات

۱. یکی از واکنش‌های دولت به تحریم‌ها، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و استفاده از روش‌های مختلف تولید کالا و خدمات در داخل بود. بحث درباره چگونگی حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان از سال ۱۳۸۹ قوت گرفت. از جمله راهکارهای ارائه‌شده، حمایت قانونی از شرکت‌های دانش‌بنیان بود. نخبگان صنعتی، علمی کشور به این تحلیل دست یافتند که آنچه می‌تواند کشور را در هنگامه تحریم‌ها به خودکفایی و استقلال برساند و تولید ملی نیز رونق یابد، تشویق نخبگان و دانشمندان به نوآوری و تولید تجهیزات، کالاها و نرم‌افزارها است. گفت‌وگوهای کارشناسان بالا گرفت و در نهایت، مجلس شورای اسلامی در آبان ۱۳۸۹ قانونی را تصویب کرد که طی آن دولت و سازمان‌های دولتی مکلف به حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان شدند. این قانون در جلسه علنی ۵ آبان ۱۳۸۹ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و ۱۹ آبان ۱۳۸۹ به تأیید شورای نگهبان رسید

حفر چاه، نفت با فشار از مخزن به درون چاه راه می‌یابد که به بازیافت اولیه نفت معروف است. با افت فشار مخزن، میزان استخراج از چاه‌های نفت در ایران به حدود ۲۰-۱۵ درصد می‌رسد. به عبارتی حدود ۸۰ درصد کل نفت مخزن در سازند باقی می‌ماند. بدین ترتیب باید از روش‌های بهبود بازیافت نفت استفاده گردد تا میزان استخراج نفت افزایش یافته و این سرمایه عظیم در اعماق زمین محبوس نماند. به علت شرایط خاص میدانی مشترک و از آنجا که برخی از آن‌ها با کشورهای عراق، کویت، عربستان، قطر، امارات و عمان مشترک است، شتاب بخشی به استخراج نفت برای شرکت ملی نفت بسیار مهم می‌باشد. بنابراین از فناوری‌های نوین برای اولین، دومین و حتی سومین مرتبه استخراج نفت استفاده می‌شود. علیرغم این روش‌ها، بیش از ۶۰٪ نفت در زیر زمین باقی خواهد ماند. متخصصین همواره به دنبال روش‌هایی می‌باشند که بتوان بیشترین میزان نفت را استخراج کرد. (به نقل از منانی و دیگران؛ ۱۳۹۵)

در دکتین، با استدلالات مختلفی حتی اتکای مطلق به انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران به نوعی مذموم دانسته شده است. به نمونه‌ای از چرایی و علل آن اشاره می‌کنیم: اتکاء بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در چارچوب قراردادهای نفتی با شرکت‌های نفتی بین‌المللی، راهکار مناسبی برای انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران نبوده و نخواهد بود مگر آنکه اولاً رشد دانش بنیادین و دانش عملیاتی مرتبط با صنعت نفت کشور زمینه‌های مناسبی برای جذب فناوری و توسعه آن را فراهم کرده باشد و ثانیاً حضور فعال نهادهای تنظیم‌گر با اهداف نظارت، مدیریت و بهبود کارایی در بازار فناوری توانسته باشد زمینه‌های مناسبی را فراهم آورد که بتوان

از ظرفیت‌های جذب به نحو مؤثری بهره‌برداری نمود. بر این نکته تأکید شده است که شناخت دقیق بازیگران بازار فناوری و درک فرآیندهای تضعیف شرکت‌های نفتی بین‌المللی و تقویت شرکت‌های خدمات نفتی در انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی نخستین گام در طراحی الگوهای بهینه در سیاست‌گذاری‌های فناوری نفتی در کشور است. (به نقل منابع پیشین). علی‌رغم محوریت پیمانکاران در شناسایی نیازهای زنجیره عملیات نفتی به توسعه فناوری‌های مناسب و انتقال این نیازها به توسعه‌دهندگان فناوری، در این مقاله به این نکته توجه شده است که محدودیت منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در انتقال و توسعه فناوری و نیز ضعف بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های جذب اقتضاء می‌کند که نهادهای تنظیم‌گر بازار فناوری کارتر شوند و نقش مؤثرتری در مدیریت این بازار ایفا نمایند. نشان داده شده است که این نهادها با اولویت‌بندی فناوری‌هایی که سازگار با اهداف بخش بالادستی نفت بوده و اثر سرریز به برخی صنایع کلیدی در اقتصاد ملی را دارند می‌توانند جریان انتقال و توسعه فناوری را به سمتی هدایت کنند که همسو با راهبردهای توسعه صنعتی کشور باشد. (درخشان و دیگران؛ ۱۳۹۴، ص ۳۳) پس آنچه از مطالعه منابع علمی در این خصوص به دست می‌آید که اتفاقاً حاصل تحقیقات میان‌رشته‌ای با ملاحظات متنوع علمی نیز می‌باشد ما را به سوی این نکته سوق می‌دهد که حتی در شرایط غیر تحریمی نیز کارشناس با نگاه به داخل توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان را در فناوری‌های حوزه و اقتصاد نفت به‌عنوان اولویت اصلی و راهبردی مشخص می‌کنند و توجه دولت‌ها را بدین سوء جلب می‌کنند حال از

مفهوم مخالف می‌توان چنین نتیجه گرفت در شرایط تحریمی به طریق اولی باید این راهکار در دستور کار عملی نه شعاری دولت‌ها قرار گیرد.

۵- رویکرد مدیریتی دیپلماسی فناورانه در نگاه به شرق

در تعریف "دیپلماسی علم و فناوری" باید گفت: به تعاملات علم و فناوری میان یک کشور با دیگر بازیگران بین‌المللی که در خدمت پیشبرد سیاست خارجی آن کشور قرار گیرد و یا روابط سیاسی میان یک کشور و دیگر بازیگران بین‌المللی که زمینه‌ساز تعاملات علم و فناوری گردد، "دیپلماسی علم و فناوری" گویند. حوزه دیپلماسی علم و فناوری همچنان دارای قلمروی نوپایی است و ادبیات قابل توجهی از آن نیز در متون علمی و پژوهشی دنیا تاکنون منتشر نشده است. (ذوالفقار زاده و دیگران؛ ۱۳۹۲؛ ص ۴۵).

در دهه‌های اخیر سرعت تحولات رشد قابل توجهی داشته است. اکثر تحولات رخ داده در دل خود وابسته به یک تحول فناوری بوده‌اند، مانند انقلاب ارتباطات، جهانی شدن و ... اگر تا اواسط قرن بیستم فناوری تنها در حوزه‌های خاص صنعتی نفوذ نموده بود، در دهه‌های اخیر در اکثر حوزه‌های زندگی افراد نفوذ نموده و شاید زندگی بدون دخالت فناوری را نتوان تصور نمود. حتی در برخی از کشورها به‌عنوان اهرم اعمال قدرت است.^۱ به اعتقاد دسته‌ای از

۱. به عنوان مثال می‌توان به ارتقا چهره ژاپن به دلیل دست آوردهای علمی و فناوری این کشور اشاره نمود. و یا جذابیتی که کشورهای غربی توانسته‌اند برای خود ایجاد کنند منبع: - David Dickson, "Science diplomacy in four dimension", The Royal Society, 2010

نظریه پردازان توسعه فناوری هسته اصلی توسعه است. لذا کشورهای جهان سوم برای توسعه خود به فناوری و انتقال آن از کشورهای پیشرفته نیاز دارند، و همین نیاز است که این کشورها را وابسته به فناوری کشورهای جهان اول می‌کند. رابطه کشورهای قدرتمند با کشورهای جهان سوم به گونه‌ای بوده است که آن‌ها را همیشه وابسته و نیازمند خود نگه می‌داشتند. نمونه آن را می‌توان در کنترل انتقال فناوری مشاهده نمود. که به این ترتیب توسعه و یا عدم توسعه یافتن کشور هدف را کنترل می‌کنند. در نتیجه این نوع تعامل است که کشورهای جهان سوم در برابر خواست‌های کشورهای قدرتمند تسلیم می‌شوند. از نظر دور نماند که کشورهای غربی توانایی بالایی در خرد کردن فناوری و پراکنده کردن آن دارند.

دستیابی به توسعه در عصر حاضر مستلزم دسترسی به منابع و متغیرهایی است که در دو سطح ملی و بین‌المللی تعریف می‌شوند. علم و فناوری به عنوان متغیر اصلی در روند توسعه کشورها است. بهره‌گیری از علم و فناوری روز، مستلزم پیوستن به شبکه جهانی دانش و برقراری تعامل، به ویژه با صاحبان علم و فناوری در این شبکه است. دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی در فضای بین‌المللی، بستر تعامل سایر کنشگران ملی در فضای بین‌الملل را فراهم می‌کنند. بر این اساس سیاست خارجی، نقشی محوری در ایجاد بستر همکاری‌های علمی و فناورانه دارد. از سوی دیگر توانمندی‌های یک کشور در حوزه علم و فناوری می‌تواند ابزاری پیشبرنده در حوزه سیاست خارجی باشد. به همین دلیل دیپلماسی علم و فناوری علاوه بر شبکه‌ی ملی تابعی از شبکه‌ی بین‌المللی همکاری‌های علمی و فناورانه است. کشورهای اسلامی خواهان توسعه، باید ضمن دارا بودن

توانمندی‌هایی که سایر اعضای شبکه را به تداوم حضور آن‌ها نیازمند می‌کند، با شناخت قواعد بازی در این ساختار پیچیده، تعاملی مثبت و مبتنی بر وابستگی متقابل با سایر اعضای شبکه ایجاد کنند^۱.

البته بر اساس این وابستگی متقابل فناورانه طبیعی است، منافع برخی از اعضا را تأمین و منافع برخی را در مرز خطر قرار دهد. (Jenkins Smith: ۲۰۱۴) صاحب‌نظران این حوزه رویکردها و متغیرهای مختلفی در این خصوص ارائه کرده‌اند. (Hekkert: ۲۰۱۲) علی‌ایحال تدوین مدل دیپلماسی علم و فناوری در این کشورها، مدل تعامل بین‌المللی برای توسعه هر کشور را مشخص خواهد کرد. این مدل بر پایه پیشرانهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فناورانه، ارزشی و زیست‌محیطی از یک سو و متغیرهای ملی از سوی دیگر تدوین می‌شود. کشور ترکیه نمونه مناسبی در این حوزه است. (صنیع؛ ۱۳۹۶؛ ص ۱۹۳). برای اینکه بخواهد فرآیند انتقال تکنولوژی در یک فرآیند مورد نظر صورت پذیرد نیازمند این است که یک سری از آیت‌ها باهم تلفیق شوند که عناوین آن در جدول ترسیم شده است. (میرعمادی؛ ۱۳۹۴؛ ص ۱۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. از بحث‌های تخصصی حوزه اقتصاد سیاسی است خارج از بحث این مقاله است.

مؤلفه‌های تحلیل دیپلماسی فناوری

ابزار قدرت	اهداف قدرت	همکاری‌های علم و فناوری بین‌المللی
تشویق - ترغیب - تطمیع	ایجاد دسترسی و نفوذ	کارکرد نخست: ادغام و تملیک
تشویق - ترغیب	افزایش توانمندی داخلی و هم‌افزینی متقابل	کارکرد دوم: اجرای برنامه مشترک تحقیق و توسعه
تشویق - ترغیب - اذعان	نفوذ در بازار طرف مقابل	کارکرد سوم: برپایی نمایندگانه‌ها و انتقال فناوری و واردات و صادرات
تشویق - ترغیب	دسترسی به امکانات و نفوذ	کارکرد چهارم: نظام‌نامه‌ها - توافق‌نامه‌های همکاری‌های علمی
تشویق، تهدید و تحریم	نفوذ، دسترسی یا ممانعت از دسترسی و گسترش بازار	کارکرد پنجم: پیمان‌های دسته‌جمعی برای ترویج فناوری‌های خاص مانند فناوری‌های محیط‌زیستی یا ممنوعیت گسترش فناوری‌های خاص مانند فناوری‌های دوگانه
تشویق - ترغیب و تهدید	ایجاد یا ممانعت دسترسی	کارکرد ششم: اعطای بورس به دانشجویان خارجی، مقررات مهاجرت - تأسیس صندوق‌های پروژه‌های بین‌المللی
تبلیغ و یا تهدید و تحریم	وجهه‌سازی یا لابی‌سازی روند توسعه	کارکرد هفتم: مشروعیت‌سازی یا مشروعیت‌زدایی

امروزه شرکت‌های نفتی جمهوری اسلامی ایران با توجه به ممانعتی که از لحاظ تحریم بین‌المللی برای آن‌ها ایجاد شده است عملاً نمی‌توانند مثل دیگر شرکت‌ها از انتقال تکنولوژی و همچنین دیپلماسی تکنولوژی بهره‌مند گردند، مدیران نیز برای اینکه گردش صنعت اول کشور که بیشترین درآمد نیز از طریق آن شکل می‌گیرند مجبورند اقداماتی را در دستور کار قرار دهند که از حداقل ظرفیت‌های این بخش استفاده کنند یکی از این رویکردها با توجه به اینکه روابط سیاسی در انتقال فناوری نقش راهبردی را دارد، تعامل با کشورهای همسو و غیر هماهنگ با تحریم‌های یک‌طرفه بین‌المللی علیه ایران است که بدان اشاره خواهد شد.

۶- انتقال فناوری در نگاه به شرق

با پایان یافتن جنگ سرد، منطقه‌گرایی نو به‌عنوان فرآیندی مهم در عرصه بین‌المللی رو به گسترش بوده است و کشورها تلاش می‌کنند سیاست‌های منطقه‌گرایانه خود را به‌صورت دوجانبه و در قالب موافقت‌نامه‌های مشترک و یا

چندجانبه و نهادینه‌شده در قالب تشکیل سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و یا به صورت موافقت‌نامه‌های چندجانبه به منظور تحقق اهداف خود توسعه دهند. بی‌شک، جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بررسی سیاست‌های آن در چند سال اخیر نمایان گر توجه ویژه جمهوری اسلامی ایران به گسترش روابط با کشورهای مختلف قاره آسیا در زیر مناطق مختلف از جمله شرق و جنوب شرق آسیا، جنوب آسیا، غرب آسیا و آسیای مرکزی است. (سازمند؛ ۱۳۹۹؛ ص ۲۹) پس آنچه مهم است این مسئله می‌باشد که ایران برای برون‌رفت از انزوای سیاسی و دور زدن تحریم‌ها و همچنین تأمین نیازهای متقابل به نوعی باید به تعامل با محور شرقی پردازند که با توجه به هویت نظام سیاسی و دینی ایران با آن سازگارتر است. «راهبرد نگاه به شرق» که از منظر علمی و تاریخی و همچنین ریشه‌های جغرافیایی و سیاسی در سیاست خارجی کشور برخوردار است و هویت‌سازی جدیدی در گفتمان سیاست خارجی ایجاد می‌کند. (آدمی، ۱۳۸۹؛ ص ۹۷) انتقال و جذب تکنولوژی در جهان سوم، مقوله پیچیده‌ای است که هم از نظر علمی و هم از جنبه ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سال‌هاست نه فقط کشورهای در حال توسعه، بلکه بسیاری از مجامع پژوهشی غرب و سازمان‌های بین‌المللی را به خود مشغول داشته است. سطح تکنولوژی‌های کشورهای پیشرفته و جهان سوم فاصله محسوسی دارد. برای کاستن فاصله تکنولوژی کشورهای پیشرفته و کمتر توسعه‌یافته، انتقال تکنولوژی یک لازمه انکارناپذیر است. انتقال فناوری به دو گونه صورت می‌گیرد: انتقال عمودی و انتقال افقی. در انتقال عمودی یا انتقال تحقیق و توسعه، اطلاعات فنی و یافته‌های تحقیقات کاربردی به مرحله توسعه و طراحی

مهندسی انتقال می‌یابد و سپس با تجاری شدن تکنولوژی به فرایند تولید وارد می‌شود.

در انتقال افقی، تکنولوژی از یک سطح توانمندی در یک کشور به همان سطح توانمندی در محل دیگری منتقل می‌شود. در این حالت هرچه سطح گیرنده تکنولوژی بالاتر باشد هزینه انتقال تکنولوژی کاهش می‌یابد و جذب آن به صورت مؤثرتری انجام می‌شود. در سطح اتاق فکر و سیاست‌گذاری ایران نیز همکاری با کشورهای شرقی امر پسندیده‌تر تلقی شده است چرا که معتقدند: وجود رقابت قدیمی میان شرق و غرب از یک سو و وابستگی کمتر کشورهای آسیایی نسبت به کشورهای اروپایی به آمریکا از دیگر سو، سبب تبدیل شدن کشورهای آسیایی به شرکایی امن‌تر و مطمئن‌تر نسبت به کشورهای غربی و اتحادیه‌ی اروپا شده است. فراموش نکنیم که در زمان اوج تحریم‌ها (و حتی همین حالا) این کشورهای غربی بودند که عین سیاست‌های آمریکا در قبال ایران را پیاده می‌کردند، و درعین حال، کشورهای شرقی در همان زمان، سطح تعامل بهتری با ایران برای دور زدن تحریم‌ها را داشتند. همچنین وجود کشوری مانند روسیه که در عرصه‌ی بین‌المللی دارای وضعیتی مشابه ایران است، می‌تواند عامل مهمی در جهت همبستگی اقتصادی برای رفع نیازهای اقتصادی متقابل در دوران تحریم‌ها و حتی پس از آن باشد. ^۱ مضافاً آمده است: از آنجایی که عمده‌ی کانال اثرگذاری تحریم‌های موجود بر اقتصاد ایران دلار است و از سویی کشورهای اروپایی هم عمدتاً دارای پول واحد یورو هستند که هم در اثر

۱. نگاه کنید به: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=۳۸۹۸۱>

وابستگی به آمریکا و هم به دلیل یگانه بودن واحد پولی امکان تحریم مجدد وجود دارد، لذا تعامل با کشورهای شرقی که دارای پول‌های متنوعی هستند، جهت تعاملات دو یا چندجانبه‌ی پولی، یکی از راهکارهای کاهش و از بین بردن فشارهای اقتصادی دشمن است. (نگاه کنید به سایت رهبر انقلاب، پیشین) پس در حوزه انتقال فناوری‌های نفتی به طریق اولی با روی کار آمدن دولت سیزدهم و با در نظر گرفتن بدعهدی‌های شرکت‌های غربی و با توجه به ملاحظاتی که گفته شد حتی ریشه تاریخی و دلایل مستند و معقولی نیز دارد، تقویت همکاری‌های فناورانه از طریق دیپلماسی شرقی دیگر یک اولویت و امکان نیست، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای ایران است.

۷- اقدامات مدیریتی در شرق دور در حوزه گاز

با فروکش کردن همه‌گیری کرونا، افزایش قیمت‌ها و تقاضای جهانی انرژی، همچنین بحران‌های ژئوپلیتیک، تأمین انرژی، جهان را در شرایط کنونی با مخاطره روبه‌رو کرده است، برخلاف روند مورد انتظار در فرآیند گذار انرژی تهاجمی و کاهش سهم فسیلی‌ها، پیش‌بینی‌ها گویای آن است که انرژی‌های تجدید پذیر به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیاز فزاینده انرژی جهانی در شرایط کنونی و دهه‌های آینده نخواهند بود و مصرف سوخت‌های فسیلی به‌ویژه گاز طبیعی در دهه آینده روندی رو به رشد را تجربه خواهد کرد. بنابراین این پرسش مطرح است که برای تأمین امنیت پایدار انرژی با حداقل آلاینده‌گی و هزینه قابل قبول در این دوران گذار چه باید کرد؟ با توجه به اینکه کشورهای مختلف جهان از جمله عرضه‌کنندگان انرژی در چند سال گذشته با درک

ضرورت‌های جهانی مرتبط با کاهش انتشار کربن، سیاست‌هایی را جهت تنوع‌بخشی به سبد انرژی خود و کاهش انتشار کربن در فرآیندهای تولید در پیش گرفته‌اند، موفقیت این برنامه‌ها منوط به مشارکت فعالانه جهانی به‌ویژه در حوزه سرمایه‌گذاری و فناوری است. پیش‌شرط این اقدام، پذیرش گذار انرژی منصفانه (Fair) و تدریجی (Evolutional) به‌جای سیاست‌های تهاجمی حذف سوخت‌های فسیلی از سبد انرژی جهانی است. از سوی دیگر گذار انرژی منصفانه و تدریجی نیازمند پرهیز از رژیم‌سازی اجباری و مهم‌تر از آن مشارکت فعالانه و بدون تبعیض در تأمین مالی پروژه‌های کاهش انتشار کربن به‌ویژه در حوزه تولید فسیلی‌ها (حذف فلرینگ، CCS/CCUS) با درک بهتر از خلأهای فناوری، مشکلات اقتصادی، مقابله با تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی و... که برخی از کشورها را درگیر بحران‌های فرسایشی مداوم کرده است. بخش مهمی از راه‌حل چالش جهانی تأمین امنیت انرژی جهان در گرو توجه و تمرکز بر گاز طبیعی به‌عنوان سوختی پاک برای حداقل چند دهه آینده است که توانایی تأمین سهم قابل‌توجهی از انرژی اولیه مورد نیاز جهان را خواهد داشت. به باور بسیاری از صاحب‌نظران، گاز طبیعی می‌تواند به‌منزله پلی میان عصر تسلط سوخت‌های فسیلی و دوران برتری انرژی‌های تجدید پذیر باشد. ایران با تکیه بر ذخایر عظیم گاز طبیعی خود، می‌تواند نقش بسزایی در تأمین امنیت انرژی جهان ایفا کند. جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن بیش از ۳۳ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز طبیعی، دومین کشور دارنده گاز طبیعی در جهان به‌شمار می‌رود و رکورد تولید یک میلیارد مترمکعب در روز را ثبت کرده است که از این منظر نیز در رتبه سوم جهان قرار دارد، این در حالی است که

چشم‌انداز تولید گاز طبیعی ایران به لطف مناطق وسیع اکتشاف نشده و میدان‌های توسعه‌نیافته فراوان، از ظرفیت افزایش بسیار زیادی برخوردار است. این مزایا در کنار موقعیت راهبردی ایران در دسترسی به بازارهای مختلف و همسایگان با منابع غنی نفت و گاز مؤید نقش اثرگذار جمهوری اسلامی ایران در آینده امنیت انرژی کشورهای منطقه و جهان است. تحریم‌های یک‌جانبه و ظالمانه وضع شده علیه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دارنده رتبه نخست مجموع ذخایر نفت و گاز و تولیدکننده مهم انرژی جهان، امنیت انرژی جهان و منطقه را به خطر انداخته است، و اگرچه تحریم‌ها بالفعل ساختن ظرفیت‌های بالای تولید و صادرات نفت و گاز و ایفای نقش مؤثر از سوی ایران در زنجیره تأمین منطقه‌ای و جهانی انرژی را با چالش مواجه کرده، اما ایران در سال‌های گذشته با وجود همه محدودیت‌ها، به موفقیت‌ها و دستاوردهای قابل توجهی در بخش‌های مختلف صنعت نفت، گاز، پالایشگاه و پتروشیمی نائل شده است. با توجه به اینکه تحقق توسعه اقتصادی کم‌کربن در جهان و دستیابی به اهداف چشم‌اندازهای این اجلاس مستلزم همکاری همه کشورها از جمله کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و تمامی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی‌های فسیلی است، آنچه مسلم است مسئله گذار انرژی و کاهش اتکا به سوخت‌های فسیلی هرچند در سال‌های اخیر با جدیت بیشتری دنبال می‌شود اما به نظر می‌رسد تا تحقق کامل اهداف در سطح همه کشورها فاصله قابل توجهی وجود دارد و در این خصوص توجه به سطح توسعه اقتصادی کشورها در تعیین وظایف و تعهدات آنها اجتناب‌ناپذیر است. بدون همکاری‌های بین‌المللی در کاهش تدریجی انتشار کربن و در صورت تداوم رویکرد تهاجمی کنونی در

توجه نکردن به منافع تولیدکنندگان سوخت‌های فسیلی در فرآیند گذار انرژی، بی‌تردید جهان در دهه آینده با بحران امنیت عرضه و دسترسی به انرژی مواجه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

قدرت‌های بزرگ طبق روال رویکردهای مسلط در نظام بین‌الملل بازم در به خدمت‌گیری فناوری‌ها آن را با مسائل سیاسی گره زده‌اند تا از حداکثر منافع ملی را در سطح نظام بین‌الملل به دست آورند. البته جهت مشروعیت بخشی و اقناع افکار عمومی از قالب‌های حقوق بین‌الملل همچون تحریم‌های بین‌المللی و امثالهم نیز به‌عنوان راهکارهای اجرایی برای دستیابی به مقاصد سیاسی استفاده می‌کنند. تحریم نفت ایران اقدامی است که اول‌بار از سوی بریتانیا و در پاسخ به ملی شدن صنعت نفت ایران به سال ۱۳۲۹ شمسی صورت گرفت. پس از آن در سال ۲۰۱۲ و سال‌های بعد تاکنون برخی از کشورهای جهان به رهبری ایالات متحده به‌منظور جلوگیری یا محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران تحریم نفتی جدیدی بر علیه ایران اعمال کردند. قدرت‌های بزرگ در رأس آن آمریکا و امثالهم سعی دارند همیشه با انحصارات خود، وابستگی دیگر بازیگران را جهت قدرتمند ماندن به‌نوعی حفظ کنند. باید دیگر بازیگران از آن تبعیت کنند ولی ایران خود را در این نظم تعریف شده قرار نداده است. لذا تحریم نفتی در حوزه اقتصاد سیاسی به‌عنوان یک حربه سیاسی و بین‌المللی همواره یکی از گزینه‌ها علیه ایران بوده است. تاریخ سیاسی ایران در چند دهه‌ی اخیر نشان می‌دهد که ایران همواره در معرض تحریم‌های گسترده بوده است. این تحریم‌ها

در سال‌های اخیر تشدید شده و هرگونه فعالیت در بخش‌های مختلف صنعت نفت ایران، فروش، تأمین مالی، حمل‌ونقل و... در این صنعت را شامل می‌شود. نظر به نقش راهبردی این محصول در اقتصاد مبتنی بر نفت ایران دولت می‌بایستی برای برون‌رفت از این وضعیت به‌ویژه تحریم‌های انتقال فناوری‌ها و تکنولوژی بالا در صنایع بالادست و پایین‌دست نفت ایران دارای استراتژی و برنامه مشخصی باشد که استخراج و فروش نفت بدین علت مشخص تحریمی یک‌جانبه از سوی ایالات متحده کم‌اثرتر باشد بدین منظور می‌توان دو برنامه مشخص نگاه به داخل و نگاه به بازیگران همسو در نظام بین‌الملل با تأکید بر شرق را برای این حوزه مورد بحث و بررسی قرار داد:

اولاً: بهره‌مندی از نقش دانش بینان‌ها در دور زدن تحریم‌ها: که در ایران به‌عنوان یکی از کارکردهای شرکت‌های دانش بینان از آن یاد می‌شود، با رویکرد استفاده از فرصت تحریم از طریق سرمایه‌گذاری بر دانش‌بنیان‌ها با بهره‌گیری از شیوه‌هایی همانند مهندسی معکوس و امثالهم می‌توان با تأکید بر نقش آن‌ها در وضع موجود کمک شایان توجهی به کشور نماید.

ثانیاً: انتقال فناوری در نگاه به شرق: در حوزه انتقال فناوری‌های نفتی به‌طریق‌اولی باروی کارآمدن دولت سیزدهم و با در نظر گرفتن بدعهدی‌های شرکت‌های غربی و با توجه به ملاحظات تاریخی که گفته شد حتی ریشه تاریخی و دلایل مستند و معقولی نیز دارد، تقویت همکاری‌های فناورانه از طریق دیپلماسی شرقی دیگر یک اولویت و امکان نیست، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای ایران است.

در پایان می‌توان توجه و تمرکز بر گاز طبیعی به‌عنوان یک سوخت پاک و کم‌هزینه، دسترسی آزادتر به منابع مالی و فناوری بدون تبعیض و تحریم با توجه به آثار جهانی ناشی از اعمال محدودیت در اجرای طرح‌های مرتبط با تأمین امنیت انرژی جهان و کاهش انتشار کربن، بازنگری در سبد سرمایه‌گذاری انرژی، به‌ویژه با اولویت دادن به افزایش تولید گاز، حذف فلرینگ و بهبود کارایی انرژی، همکاری در توسعه و ترویج فناوری‌های لازم برای افزایش بهره‌وری انرژی، شبکه‌های هوشمند و ذخیره‌سازی انرژی و جمع‌آوری گازهای مشعل، همکاری و تعامل در راستای تجاری‌سازی اقتصاد هیدروژن، ایجاد پارک‌های فناوری نوآورانه (Innovative Technologies Park: ITP) به‌منظور اشتراک‌گذاری دانش بین پروژه‌ها، بحث و تبادل اطلاعات، همکاری در طرح‌های توسعه سوخت‌های پاک، استانداردها و اجرای مدل‌های توسعه بازارهای مربوطه، برگزاری رویدادهای مستمر و هدفمند برای شناسایی مشکلات و تشخیص راه‌حل‌ها و خط‌مشی و تدوین برنامه را برای توسعه همکاری‌های چندجانبه بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بزرگ انرژی‌های فسیلی باهدف کاهش انتشار کربن در بستر گذار تدریجی و منصفانه را پیشنهاد داد.

فهرست منابع و مآخذ:

الف): منابع فارسی

- امینی، محمدتقی، میرمحمدی، سید محمد، قصاب حسن (۱۳۹۳). بررسی نقش شرکت‌های کوچک و متوسط دانش بنیان در شاخه تولید دانش و فناوری، بر کاهش اثرات تحریم‌های محصولات الکترونیک فناوری بالا علیه ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال چهارم، بهار، شماره چهاردهم.
- آدمی، علی. (۱۳۸۹). راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها. **مطالعات سیاسی**، ۲ (۷).
- درخشان، مسعود، تکلیف، عاطفه. (۱۳۹۴). انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران: ملاحظاتی در مفاهیم، الزامات، چالش‌ها و راهکارها. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۴ (۱۴).
- ذوالفقارزاده، محمد مهدی، ثنائی، مهدی. (۱۳۹۲). دیپلماسی علم و فناوری: چهارچوبی نظری و پیشنهادهایی عملی. **رهیافت**، ۲۳ (۵۴).
- رصاف مرضیه، رستم زاده پرویز، اسلاملوئیان کریم، هادیان ابراهیم (۱۴۰۰). اثرات جهانی تحریم نفتی ایران: کاربردی از نظریه بازی‌ها. تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۱۲ (۴۳).
- سازمند، بهاره. (۱۳۹۹). سیاست نگاه به شرق: واکاوی دیپلماسی علمی- فرهنگی ایران در قبال کشورهای اسلامی جنوب شرق آسیا. **مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام**، ۲ (۲).
- صنیع اجلال، مریم (۱۳۹۶). دیپلماسی علم و فناوری: راهبردی نو در توسعه کشورهای اسلامی. **مطالعات سیاسی جهان اسلام**، ۶ (۳) (پیاپی ۲۳).

- فاطمی خوراسگانی، علی، (۱۳۹۴) بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی وضع شده علیه ایران بر عملکرد شرکت‌های دانش بنیان، همایش سراسری مباحث کلیدی در علوم مدیریت و حسابداری، گرگان.

- فنخاری حسین، سلیمانی داوود، دارایی محمدرضا (۱۳۹۲). بررسی اثرات تحریم‌های اقتصادی بر عملکرد شرکت‌های دانش بنیان کشور. سیاست علم و فناوری، ۵ (۳).

- منانی، مریم و شرافت، شهرزاد، (۱۳۹۵)، اهمیت شرکت‌های دانش بنیان در توسعه و بازیافت نفت، همایش ملی شرکتهای دانش بنیان فرصت‌ها و چالش‌ها و نقش آن در توسعه کشور، چابهار.

- میر عمادی، طاهره. (۱۳۹۴). مدل تحلیل دیپلماسی علم و فناوری در یک کشور. رهیافت، ۲۵ (۵۹).

ب): منابع لاتین

- Hank Jenkins Smith، Christopher Weible (۲۰۱۴)، Paul Sabatier. The Advocacy Coalition Framework، Foundation، Evaluation، Ongoing Research in Theories of Policy Process، S.I.: Westview Press.
- Jervis، Robert (۱۹۹۹). "Realism، Neoliberalism، and Cooperation: Understanding the Debate". International Security. 24 (1). Doi:10.1162/016228899560040.
- Kapstein، Ethan B. (۱۹۹۵). de Mesquita، Bruce Bueno؛ Lalman، David؛ Rosecrance، Richard؛ Stein، Arthur A.؛ Snyder، Jack (eds.). "Is Realism Dead? The Domestic Sources of International Politics". International Organization. 49 (4).

- Mearsheimer, John J. (۱۹۹۴). "The False Promise of International Institutions". *International Security*. 19 (3). doi:10.2307/2539078. ISSN 0162-2889. JSTOR 2539078. S۲CID ۱۵۳۴۷۲۰۵۴.
- Sandholtz, Wayne; Stiles, Kendall W. (۲۰۰۹). *International Norms and Cycles of Change*. Oxford University Press.
- Waltz, Kenneth (۲۰۰۳). "The Anarchic Structure of World Politics". *International Politics: Enduring Concepts and Contemporary Issues*, ۶th Edition.
- David Dickson(۲۰۱۰). "Science diplomacy in four dimension", The Royal Society.
- Lee, Yong Suk (۲۰۱۸). "International isolation and regional inequality: Evidence from sanctions on North Korea," *Journal of Urban Economics*. 103 ©:. Doi:10.1016/j.jue.2017.11.002.
- Mearsheimer, John J. (۲۰۱۴). *The Tragedy of Great Power Politics and international*. New York, NY: Norton.
- Morgenthau, Hans J(۱۹۷۸). *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*, ۵th Edition, Revised. (New York: Alfred A. Knopf.
- Posen, Barry R. (۱۹۹۳). "Nationalism, the Mass Army, and Military Power". *International Security*. 18 (2): 80–124. doi:10.2307/2539098.
- Rosato, Sebastian (۲۰۲۱). *Intentions in Great Power Politics: Uncertainty and the Roots of Conflict*. Yale University Press. doi:10.2307/j.ctv1k03gb9. ISBN 978-0-300-25302-3. JSTOR j.ctv1k03gb9. S2CID 233588498.
- Whang, Taehee (۲۰۱۱). "Playing to the Home Crowd? Symbolic Use of Economic Sanctions in ..." *International Studies Quarterly*. Ingentaconnect.com. 55 (3): doi:10.1111/j.1468-2478.۲۰۱۱.۰۰۶۶۸.

The approach of legal and political developments in turning the political threat of oil sanctions into an opportunity for self-sufficiencyIn the diplomacy of looking to the east in the field of public administration

Dr. Mustafa Maleki

Assistant Professor, Department of Islamic Law, Ilam Branch, Payam
Noor University, Ilam, Iran

Mustafa Shateri

Master of Management, Semnan Branch, Islamic Azad University,
Semnan, Iran

Abstract:

Today, the political and legal developments caused by oil sanctions in the field of management, especially the public sector, are one of the main concerns in Iran, so that the highest executive authority of the government confirmed the existence of specialized officers to circumvent political and legal international sanctions in Iran. However, the great powers always define the order governing the international system based on the facts in the world based on what their interests require and can lead to the stabilization of their power, as a result, any actor in the international system who does not follow such an order should be punished and Pay for it. In such a situation, Iran put the transfer of upstream technologies and the manual end of the oil field under unilateral international sanctions by the United States. The main question we are looking for is how the Iranian government can turn the threat it has faced in the field of oil technologies into an opportunity. In response, it should be said: with approaches such as emphasizing the flourishing of technological knowledge-based companies in the oil field, cooperation in training and transfer of high technologies through aligned countries in the international system based on looking to the East, can turn the embargo situation into a golden opportunity for development. It has been presented with a descriptive and analytical approach by providing operational solutions through the study of library method resources.

Key words:

international sanctions, oil embargo, knowledge-based companies, technological diplomacy.